

آزادی مطبوعات عامل رشد دموکراسی در جامعه

روح الله کلانتری

مسئول سازمان معلمان گلستان

مطبوعات زائیده تمدن جدیدند و محور و مدار توسعه و آزادی مطبوعات زائیده تمدن جدید است. برای تعیین تکلیف مطبوعات باید تکلیف آزادی را مشخص کنیم. در غرب بینشی است به نام لیبرالیسم یا لیبرال دموکراسی و متأسفانه گاهی اوقات سوء تفاهم و گاهی نیز سفسطه می شود که گویا آزادی عین لیبرالیسم است. لیبرالیسم ویژگیها و مشخصه هایی دارد که ما آن را نمی پسندیم، اما به هیچ وجه نمی توان همه مطالب یک مکتب را نفی کرد. در درون لیبرالیسم نکات مثبتی هم هست که برای بشر دستاوردهایی هم داشته است. البته ما با اموری که با معیارها و ارزشهای دینی ما سازگار نیست مخالفیم، اما گاهی بحث می شود که آزادی مساوی با لیبرالیسم است. آزادی مقوله بسیار وسیعی است و می توان با دیدگاه ها و برداشتهای مختلف به سوی آن رفت، یعنی با بینش اسلامی و الهی هم می شود به سوی آزادی رفت. ممکن است برداشت ما از دین ضد آزادی باشد همانگونه که برخی از متفکران و روحانیون ما می اندیشند و ممکن هم هست که برداشت ما از دین عین آزادی باشد. چنانکه برداشت حضرت امام(ره) و متفکران بزرگی مثل شهید بهشتی، مطهری و دیگران داشتند.

به هر حال زمانی وضعیت مطبوعات در جامعه ما مشخص می شود که ما تکلیف خود را با آزادی معلوم کنیم. جامعه ما بر اساس قانون اساسی بنا شده است و بنای ما هم در جامعه توجه به قانون است. ما چه طرفدار آزادی باشیم یا مخالف آن باید به نظم و قانون احترام بگذاریم. بدون نظم و توجه به قانون زندگی انسانها قابل دوام نخواهد بود. مبنای نظم هم قانون اساسی است. در عمل راهی جز پایبندی به قانون اساسی نداریم. در جامعه ما قانون اساسی تکلیف آزادی را مشخص کرده است. به هیچ وجه به دنبال جامعه تک صدائی نیست. قانون اساسی ما به دنبال طرح اندیشه های گوناگون و احترام به همه اندیشه ها و دیدگاه ها در چهارچوب قانون و رعایت ارزشهای اسلامی است. امروز جوهره نظام ما در قانون اساسی متجلی است. همه کسانی که به نظام و انقلاب و پیشرفت جامعه اعتقاد دارند باید به

قانون اساسی تمکین کنند. از دیدگاه اسلام انسانها، مختلف و متنوع آفریده شده اند و نمی توان این تنوع و تکثر را نادیده گرفت. البته می توان با زور و خشونت به طور موقت جلوی اندیشه ای را گرفت ولی اندیشه های مختلف هرگز با این روشها از بین نمی رود. بلکه زیر زمینی شده و در زمانی دیگر بروز و ظهور خواهند کرد. آنهایی که گمان می کنند که اگر یک اندیشه در جامعه حاکم شده و اندیشه های دیگر باید سرکوب شود در حقیقت خدا و آفرینش خلقت و حقیقت انسان را نشناخته اند یا خود را به نادانی می زنند. اندیشه اگر سرکوب شد پس از مدتی به ضد خود تبدیل می شود و به صورت انفجارهای اجتماعی در می آید. مثل حوادثی که در دی ماه سال گذشته در جامعه روی داد. باید این حقیقت را درک کنیم که تکامل و رشد جامعه بشری جز در اثر وجود و برخورد سالم و نظام مند اندیشه ها میسر نیست. تاریخ تحولات مختلف بشر و رشد و توسعه کشورهای پیشرفته و توسعه محور در اثر گسترش اندیشه های گوناگون در آن جوامع بوده است. البته ما دغدغه افرادی را که از روی حسن نیت مطالبی را بیان می کنند درک کرده و همواره از ارزشهای اسلامی و دستاوردهای ارزشمند انقلاب و نظام دفاع می کنیم، اما این سؤال را هم برای آنها مطرح می کنیم که مگر ما برای چه انقلاب کردیم؟ مگر به دنبال این اصل اساسی نبودیم که باید با هم زندگی سالمی را داشته باشیم و با سعه صدر و مدارای با یکدیگر به دنبال گسترش اسلام باشیم. مگر برای کرامت انسان قیام نکردیم و نمی خواستیم این آیه قران در جامعه پیاده شود که (ولقد کرمانا بنی آدم) انسان کرامت داشته و احترام او حفظ شود و حتی مخالف حق حیات و آزادی داشته باشد و به فرمایش امام علی(ع) تا زمانی که دست به قیام مسلحانه نزدند بتوانند اندیشه های خود را در کمال آزادی و امنیت بیان کنند.

ما معتقدیم که دفاع از اسلام، دفاع از تشیع و دفاع از جمهوری اسلامی در گرو این حقیقت است که به نام دین، نظام و حکومتی را پایه ریزی کنیم که در آن حقوق مردم و اندیشه های آنها محترم شمرده شود؛ نظامی که از حق حیات و حق مشارکت کسانی که حتی به میانی اعتقادی آن نظام معتقد نیستند، دفاع کند. انقلاب اسلامی ما در صورتی باقی خواهد ماند که بتوانیم مخالف خود را در درون نظام تحمل کنیم. ممکن است که گفته شود آزادی، تنوع و برخورد اندیشه ها، امنیت جامعه را از بین می برد. به نظر من، این فرض درستی نیست. بلکه برعکس محدود کردن آزادی، امنیت را از بین می برد. آفت امنیت، محدود کردن آزادی است که تبدیل به انفجارهای اجتماعی می شود. اگر بگذاریم که مخالفان مطالب و دیدگاه های خود را در چهارچوب قانون بیان کنند مقاومتها کاهش پیدا کرده و شایعه در جامعه جایگاه خود

را از دست می دهد.

اگر بگذاریم که مخالفان مطالب خود را بیان کنند دیگر گرایش به رسانه های بیگانه در میان جامعه ما کمرنگ می شود. ما نباید جلوی اطلاع رسانی جامعه را بگیریم. ما دچار یک نوع بیماری تاریخی هستیم و معتقدیم مطبوعاتی که نقد می کنند وابسته به بیگانه اند. مردم ما رشید و بالغند و انسانهای مستقلی هستند که می توانند منتقد هم باشند و ما را در امور کارها کمک نمایند. اصولا اگر مسئولی از نقد استقبال کند و در برابر عملکرد خود پاسخگو باشد مدیر موفقی است. البته مطبوعات هم باید ملاحظات جامعه را داشته باشند. ما از مطبوعات خود توقع داریم که به عنوان نمایندگان ملت حریمها و حساسیتها را رعایت کنند. انتقاد کردن از نظام و انقلاب نه تنها باعث تضعیف نظام نیست، بلکه عامل تقویت و استحکام نظام هم خواهد بود. اینک گفته اند که مطبوعات رکن چهارم دموکراسی است، شاید به این معنی باشد که برای اصلاح ارگانهای حکومتی، سازو کارهای حکومتی تعریف شده کافی نیست. ارگانهای حکومتی باید تحت نظارت مردم، نمایندگان واقعی مردم و افکار و اندیشه های مختلف مردم یعنی مطبوعات باشند تا مسئولان خطاهای خود را اصلاح کنند. قدرت بی مهار فساد به بار می آورد. به همین دلیل در قانون اساسی ما هر جا قدرت است در کنارش یک نظارتی هم وجود دارد؛ اما نظارت عمومی مردم و نظارت مطبوعات و فضاهای مجازی باعث می شود که نظارت بیشتری صورت گیرد و مسئولان مراقب اعمال خود باشند. مسلما در ارگانهای حکومتی و سازمانهای دولتی نقص ها و کمبودهای وجود دارد و بیان آنها به نفع نظام و انقلاب است.

آنچه مهم است اینک همه چیز باید بر اساس قانون باشد. اگر قانون مبنای نظم جامعه است باید با متخلف هم برخورد کرد؛ در این امر تردیدی نیست که اگر مطبوعاتی هم تخلف کند باید با او برخورد شود. اما همه تخلفات مطبوعات باید در دادگاه مطبوعات و با حضور هیئت منصفه مطبوعات انجام شود. همه ما باید بر اجرای قانون پافشاری داشته باشیم و اگر تخلفی صورت گرفت اعتراض کنیم. امیدواریم که مسئولان ارشد نظام نقش و جایگاه مطبوعات را به عنوان رکن چهارم دموکراسی درک کرده و بر آزادی مطبوعات تاکید نمایند. بستن و محدود کردن مطبوعات و فضاهای مجازی سودی برای کشور نداشته و عامل نارضایتی جامعه را فراهم می کند.